

---

# بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گرایش جوانان به مطالعه (غیردرسی) و مشکلات آنها در این زمینه: مطالعه موردی شهر شیراز

(۱) خدیجه‌اسدی سروستانی (۲) نورالله کرمی

---

**چکیده:** این پژوهش با هدف بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گرایش جوانان به کتابخوانی (مطالعه غیردرسی) صورت گرفت. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و جامعه آماری آن جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر شیراز می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه همراه با مصاحبه بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار «SPSS» صورت گرفته است. آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که گرایش جوانان به مطالعه با سن، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات فرد و والدین آنها، قومیت، میزان درآمد خانوار، دسترسی به کتاب و کتابخانه و عضویت در انجمن یا تشکلی خاص رابطه معناداری دارد. مهم‌ترین مشکلات جوانان برای مطالعه به ترتیب کمبود مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها، کمبود کتاب‌های مناسب جوانان، مسائل مالی و گرانی، نداشتن علاقه و انگیزه برای مطالعه می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مطالعه، جوانان، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی

---

## ۱. مقدمه

از مفاهیمی که امروزه تأکید زیادی بر آن می‌شود مفهوم توسعه فرهنگی است که از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، از طرف سازمان یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه مانند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ابعاد

و بار ارزشی بیشتری برخوردار می‌باشد و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. بنابراین توسعه فرهنگی فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها شخصیت ویژه‌ای در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد (از کیا ۱۳۸۰: ۲۰).

برای رسیدن به توسعه فرهنگی مسیرهای گوناگونی وجود دارد. یکی از مسیرهای اصلی توسعه فرهنگی، گسترش فرهنگ مطالعه می‌باشد. چندی است که بسیاری از پژوهشگران در بررسی شاخص‌های توسعه، میزان کتاب‌خوانی را یکی از شاخص‌های توسعه تلقی می‌کنند. چرا که مطالعه نقش برجسته‌ای در بالا بردن آگاهی و دانش افراد دارد و از عناصر اصلی توسعه در هر جامعه‌ای، انسان‌های آگاه و باسواد می‌باشد. در هر جامعه افرادی که از دانش و سواد چندانی برخوردار نیستند، توانایی مشارکت فعال و مؤثر را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارا نیستند.

از سوی دیگر با افزایش اوقات فراغت در جوامع، یکی از راه‌های گذران اوقات فراغت به صورت مفید و مثبت، پرداختن به مطالعه می‌باشد.

در روزگاران بسیار دور، فراغت برای انسان مفهوم عملی نداشت و تنها کار طولانی، مداوم و طاقت‌فرسا به زندگی او معنا می‌بخشید، به ویژه در عصر بردگی که انسان اراده‌ای هم از خود نداشت تا فراغتی داشته باشد. گذشت زمان و تحولات اجتماعی - اقتصادی باعث شد که این وضعیت دگرگون گردد و با افزایش توانایی‌ها و غلبه بر طبیعت، فراغت انسان‌ها نیز افزایش یابد. به خصوص از زمانی که انقلاب صنعتی به وقوع پیوست و تغییرات ژرفی در جامعه و زندگی انسان‌ها به وجود آمد، اوقات فراغت به میزان چشمگیری افزایش پیدا کرد و این افزایش هم‌چنان ادامه دارد (کاربخش راوری ۱۳۸۱).

تا قبل از دهه ۱۹۷۰، هیچ فردی خود را کارشناس اوقات فراغت معرفی نمی‌کرد و مؤسسات علمی مانند «انستیتوی اوقات فراغت و مدیریت امور تفریحی» و «انجمن مطالعات اوقات فراغت» هنوز شکل نگرفته بود. این تحولات مهم نشان از تغییرات مهم اجتماعی و اقتصادی دارد. شواهد نشان می‌دهد که اوقات فراغت بسیاری از افراد رو به افزایش است، همان‌طور که شرکت در فعالیت‌های تفریحی در حال فزونی است. برای

بسیاری از مردم ساعات کار هفتگی کوتاه‌تر شده و مدت تعطیلات و دوره‌های بازنشستگی افزایش یافته است (هیوود و همکاران ۱۳۸۰: ۱-۲).

اما با وجود اهمیت بسیار زیاد مطالعه در توسعه فرهنگی و نقش مثبتی که می‌تواند در گذران اوقات فراغت افراد داشته باشد، کشور ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته و حتی سایر کشورهای در حال توسعه پایین‌ترین سرانه را از نظر مطالعه و کتاب‌خوانی دارا است. تیراژ هزار نسخه‌ای کتاب و انتشار دو میلیون نسخه‌ای روزنامه برای جمعیت باسواد حدود ۵۰ میلیونی، بسیار پایین و تأسفانگیز است. اگر بخواهیم عمق مسأله را بیشتر دریابیم کافی است آن را با یکی از همسایگان خود، تاجیکستان، که خود از لحاظ مطالعه در سطح پایینی است مقایسه کنیم؛ تیراژ متوسط کتاب در تاجیکستان حدود ۵۰ هزار نسخه برای جمعیت ۵ میلیونی است (اصغرنژاد ۱۳۸۰).

آماري که در «کتاب سال ۱۹۹۸ یونسکو» منتشر شده، نشان‌دهنده این است که در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) وضع مطبوعات ایران در مقایسه با سایر کشورها، بر حسب تعداد نسخه‌های روزنامه برای هر هزار سکنه، بسیار شگفت‌انگیز و تأسفار است. هم‌چنین، میزان روزنامه‌خوانی در ایران حتی در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه بسیار پایین بوده است. در این آمار ایران حتی پایین‌تر از عربستان، کویت، لبنان و بحرین قرار گرفته است (اصغرنژاد، ۱۳۸۰).

بنابراین با توجه به جایگاه مهم مطالعه در فرهنگ هر جامعه‌ای، هدف این پژوهش بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی و فرهنگی مرتبط با گرایش جوانان به مطالعه (غیردرسی) در شهر شیراز و مشکلات آنها در این زمینه می‌باشد.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهشی توسط صافی (۱۳۵۳) تحت عنوان «کاربرد زمان فراغت دانشجویان دانشگاه تهران» با هدف شناخت بهتر و صحیح‌تر نیازهای دانشجویان صورت گرفت. این پژوهش که با استفاده از روش پیمایش و فن مصاحبه همراه با پرسشنامه انجام گرفت به این نتیجه دست یافت: در میان کالاهای فرهنگی، مطبوعات نقش اساسی را در زمان اوقات فراغت

دانشجویان داشت و قریب به یک ساعت و نیم از وقت دانشجویان را به خود اختصاص می‌داد.

بحرانی (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان «بررسی چگونگی فعالیت‌های کتاب‌خوانی مردم شیراز از لحاظ مدت زمان مطالعه آزاد، عوامل بازدارنده و عوامل همبسته با آن» با استفاده از مصاحبه و در قالب پرسشنامه انجام داد. این پژوهش به این نتیجه دست یافت که از مجموع میزان مطالعه آزاد افراد در سه بخش جداگانه روزنامه، کتاب و مجله، روزنامه بیشترین زمان را به خود اختصاص داده است. پژوهشگر در پایان به این نتیجه می‌رسد که افراد در زمان فراغت خود انس و الفتی با کتاب ندارند و میزان مطالعه در بین مردم شیراز در مقایسه با مردم شهرهای آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای غربی بسیار ناچیز است.

پژوهشی توسط شهبازی و همکارانش (۱۳۷۹) تحت عنوان «وضعیت گذران اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال منطقه شمال غرب تبریز» انجام شد. هدف از این پژوهش به دست آوردن اطلاعات جدید در رابطه با نحوه گذران اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال بود. در این مطالعه توصیفی-مقطعی، ۳۴۱۷ فرد بالای ده سال با روش نمونه‌گیری نظام‌مند انتخاب شدند و اطلاعات به‌وسیله پرسشنامه گردآوری گردید. نتایج این پژوهش چنین بود: حدود ۵۰ درصد از افراد بالای ده سال اوقات فراغت خود را به نوعی در منزل می‌گذراندند که ۲۰/۵ درصد به استراحت، ۱۵/۶ درصد به مطالعه، ۱۲/۷ درصد به تماشای تلویزیون و ۰/۹ درصد به گوش دادن به رادیو می‌پرداختند. انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت در مردان ۱۴/۵ درصد و در زنان ۱/۵ درصد بود. گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله بیش از سایرین در اوقات فراغت خود به تماشای تلویزیون می‌پرداختند.

پژوهش دیگری توسط عابدینی (۱۳۷۹) با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر میزان اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی در بین خانوارها: مطالعه موردی شهر مرودشت» صورت گرفت. در این پژوهش با استفاده از نظریه «پیر بوردیو» (جامعه‌شناس و مردم‌شناس سرشناس فرانسوی) و شیوه کار میدانی تعداد ۳۸۲ خانوار با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و اطلاعات لازم به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل از این پژوهش چنین بود: رابطه بین متغیرهای تحصیلات، درآمد، شغل و ذائقه پاسخگویان با میزان مصرف کالاهای فرهنگی و میزان

گذران اوقات فراغت حداقل در سطح ۹۵ درصد تأیید شد. تفاوت میانگین بین نوع مسکن و میزان گذران اوقات فراغت حداقل در سطح ۹۵ درصد تأیید شد و تفاوت میانگین بین متغیرهای مسکن و مذهب با میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی رد شد.

پژوهش دیگری را میرهاشمی و نجفی زند (۱۳۸۱) تحت عنوان «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت افراد بالای ۱۸ سال در شهرستان دماوند» انجام دادند. در این پژوهش از ۶۵۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، انتخاب شده بودند اطلاعاتی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. متغیرهایی که ارتباط آن با نحوه گذران اوقات فراغت و مدت آن سنجیده شد عبارتند از: جنس، سن، سطح تحصیلات، محل سکونت، وضعیت تأهل، درآمد ثابت ماهانه خانواده و نوع شغل فرد. پس از تحلیل داده‌های مربوط مشخص شد که جنس، سن، وضعیت تأهل و نوع شغل فرد با مدت اوقات فراغت رابطه معنی‌داری دارند. افزون بر این اصلی‌ترین شیوه گذران اوقات فراغت تماشای تلویزیون و مطالعه کتاب بود. از بین هشت متغیر تنها بین جنس و وضعیت تأهل با شیوه‌های گذران اوقات فراغت رابطه معنی‌داری به دست آمد.

پژوهش دیگری توسط افتخاری (۱۳۸۲) تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر متوسطه در مدارس عادی و غیرانتفاعی نواحی چهارگانه شیراز» با هدف شناخت چگونگی گذران اوقات فراغت توسط دانش‌آموزان متوسطه شیراز صورت گرفت. در این پژوهش با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای، تعداد ۱۱۵ دانش‌آموز انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری گردید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که بسیاری از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های غیرانتفاعی بیشتر اوقات فراغت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کردند.

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۳-۱. میان سن فرد و میزان مطالعه (غیردرسی) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳-۲. میان درآمد خانوار و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- ۳-۳. میان میزان تحصیلات مادر و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴-۳. میان میزان تحصیلات پدر و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۵-۳. میان قومیت و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۶-۳. میان طبقه اجتماعی و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۷-۳. میان عضویت فرد در انجمن یا تشکیلی خاص و میزان مطالعه (غیردرسی) رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۸-۳. میان میزان دسترسی فرد به کتابخانه و میزان مطالعه (غیردرسی) رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۹-۳. میان بُعد خانوار و میزان مطالعه (غیردرسی) رابطه معنی داری وجود دارد.

#### ۴. روش تحقیق

این پژوهش به شیوه پیمایشی - تحلیلی صورت گرفته و نوع آن کاربردی است. جامعه آماری متشکل از تمام جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله ساکن شیراز است که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، ۲۲۹۷۲۸ نفر بوده است. تعداد ۴۰۰ نفر از آنها با استفاده از جدول لین (Lin ۱۹۷۶) به عنوان نمونه برگزیده شده و پس از انتخاب نمونه‌ها با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، اطلاعات لازم از آنها با استفاده از پرسشنامه همراه با پرسشگر جمع‌آوری گردید. در مرحله بعد اطلاعات جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی (با استفاده از شیوه‌های تحلیل رگرسیون خطی، آزمون تی، تحلیل واریانس یک‌طرفه) تجزیه و تحلیل گردید.

در پژوهش حاضر برای پی بردن به این که ابزار سنجش (پرسشنامه) از اعتبار کافی برخوردار است از اعتبار صوری استفاده شده است. بدین ترتیب که در مرحله تدوین پرسشنامه با استفاده از نظریات استادان مجرب و هم‌چنین نظرخواهی از دانشجویان دکترای متخصص در این زمینه، تغییرات و اصلاحات لازم به وجود آمده است و بدین ترتیب اعتبار صوری برای این پرسشنامه فراهم گردیده است.

به منظور بالا بردن پایایی پژوهش دو اقدام صورت گرفت:  
 الف. در مورد متغیرهایی که برای آنها طیف تهیه شده بود از «آلفای کرونباخ» استفاده شد.  
 ب. نتایج به دست آمده از این پژوهش با نتایج دیگر پژوهش‌ها در این زمینه مقایسه شد.

### ۵. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج نشان می‌دهد که ۸۴/۳ درصد جوانان سه ساعت و یا حتی کمتر در هفته صرف مطالعه (غیردرسی) می‌کنند و دیگر اینکه جوانان بیشترین زمان فراغت خود را به تماشای تلویزیون می‌پردازند.

در زیر به بررسی رابطه بین متغیرها همراه با جدول‌های مربوطه پرداخته می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود (جدول ۱) نتایج آزمون تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بین سن و میزان مطالعه فرد رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد.

جدول ۱ بررسی رابطه بین سن و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد

نام متغیر	میزان همبستگی	ضریب (B)	جهت رابطه ( $\beta$ )	سطح معنی‌داری
سن و مطالعه غیردرسی	۰/۱۸۵	-۰/۰۸۱	-۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

جدول ۲ بررسی رابطه بین سطح تحصیلات مادر و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد را با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد. بررسی رابطه نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات مادر و میزان مطالعه فرد رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۲ بررسی رابطه بین سطح تحصیلات مادر و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد

نام متغیر	مقدار همبستگی	ضریب B	جهت رابطه ( $\beta$ )	سطح معنی‌داری
سطح تحصیلات و مطالعه غیردرسی	۰/۱۹۲	۰/۰۸۹	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰

بررسی رابطه سطح تحصیلات پدر و میزان مطالعه غیردرسی در جدول ۳ آمده است. بررسی رابطه نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.





**جدول ۶** بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد

سطح معنی داری	آزمون دانکن	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	طبقه اجتماعی	
					بالا	میزان مطالعه (غیردرسی)
۰/۰۰۰	۱/۱۰	۳/۹۷۸	۳/۸۲۲	۸۵	متوسط	
	۲/۸۰	۲/۵۷۱	۲/۵۰۶	۲۷۹	پایین	
	۲/۸۵	۱/۰۷۲	۱/۱۹۲	۳۴	کل	
		۲/۹۱۷	۲/۶۱۲	۳۹۸		

جدول ۷ رابطه معنی داری بین عضویت فرد در انجمن، گروه یا تشکیلی خاص و میزان مطالعه را با استفاده از آزمون تی نشان می‌دهد.

**جدول ۷** بررسی رابطه بین عضویت فرد در انجمن، اتحادیه یا تشکیلی خاص و میزان مطالعه (غیردرسی)

سطح معنی داری	مقدار T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	نام متغیر	
					بلی	عضویت در انجمن یا تشکیلی خاص
۰/۰۱۳	۱/۳۶۵	۳/۵۴۹	۳/۱۲۶	۱۱۸	خیر	
					بلی	
		۲/۷۹۴	۲/۵۹۴	۲۸۰		

جدول ۸ مربوط به سنجش رابطه بین بُعد خانوار و میزان مطالعه فرد است. با توجه به سطح معنی دار و جهت رابطه متوجه می‌شویم که بین این دو متغیر رابطه معنی دار و منفی وجود دارد.

**جدول ۸** بررسی رابطه بین بُعد خانوار و میزان مطالعه (غیردرسی)

سطح معنی داری	جهت (رابطه $\beta$ )	ضریب B	مقدار همبستگی	نام متغیر
۰/۰۰۳	-۰/۱۴۸	-۰/۱۵۶	۰/۱۴۸	بُعد خانوار و مطالعه غیر درسی

جدول ۹ که به بررسی رابطه بین میزان دسترسی به کتابخانه و میزان مطالعه پرداخته، نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

**جدول ۹** بررسی رابطه بین میزان دسترسی به کتابخانه و میزان مطالعه (غیردرسی)

نام متغیر	مقدار همبستگی	ضریب B	جهت رابطه ( $\beta$ )	سطح معنی داری
دسترسی به کتابخانه و میزان مطالعه	۰/۳۹۳	۰/۴۵۶	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰

بر اساس آنچه در جدول ۱۰ آمده است، مهم‌ترین مشکلات جوانان برای مطالعه به ترتیب عبارتند از: کمبود مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها، کمبود کتاب‌های مناسب جوانان، مسائل مالی و گرانی، نداشتن علاقه و انگیزه برای مطالعه.

**جدول ۱۰** توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مشکلات برای مطالعه

نوع مشکل	خیلی زیاد درصد	زیاد درصد	متوسط درصد	کم درصد	خیلی کم درصد	جمع درصد
مسائل مالی و گرانی	۱۶/۳	۱۹/۱	۳۱/۷	۱۳/۶	۱۹/۳	۱۰۰
کمبود مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها	۳۳/۲	۳۴/۷	۱۳/۸	۹	۹/۳	۱۰۰
کمبود کتاب‌های مناسب جوانان	۳۷/۷	۱۵/۳	۲۱/۹	۱۶/۱	۹	۱۰۰
نداشتن علاقه و انگیزه برای مطالعه	۱۶	۱۰	۳۱	۱۷	۲۶	۱۰۰

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی بررسی عوامل مرتبط با گرایش جوانان به مطالعه (غیردرسی) و مشکلات آنها در این زمینه بود و به این نتایج دست یافت:

- بیشتر افراد زمان فراغت خود را به مشاهده تلویزیون می‌پردازند که این نتیجه با پژوهش‌های صورت گرفته توسط افتخاری، شهبازی و همکارانش، میرهاشمی و نجفی زند در این رابطه همخوانی دارد.
- در زمان فراغت افراد، مطالعه (غیردرسی) جایگاه چندانی ندارد و این نتیجه با پژوهش بحرانی مطابقت دارد، اما با پژوهش صافی که در ۱۳۵۳ صورت گرفته و حاکی از نقش

مهم مطبوعات در زمان فراغت دانشجویان است مطابقت ندارد. شاید این عدم مطابقت به این دلیل آن است که شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت بوده و در ضمن گستره سایر رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون و رادیو بسیار محدود بوده است.

- در بررسی رابطه بین درآمد خانوار و میزان مطالعه (غیردرسی) فرد، نشان داده شد که هر چه درآمد خانوار به‌عنوان یک سرمایه اقتصادی بالاتر رود، میزان گرایش به مطالعه در فرد بیشتر می‌گردد. چرا که درآمد بیشتر، توانایی فرد را در دسترسی به کتاب، مجله‌ها، روزنامه‌ها و کتابخانه و به دنبال آن افزایش اوقات فراغت یاری می‌دهد. البته در این رابطه باید به این مسأله نیز توجه کرد که هر چه فرد مطالعه بیشتری داشته باشد، توانایی بیشتری برای کنترل اوضاع اقتصادی‌اش و بهبود آن می‌یابد. این نتیجه با پژوهش عابدینی همخوانی دارد.

- سطح تحصیلات نیز به‌منزله یک سرمایه فرهنگی است. در این پژوهش سطح تحصیلات والدین مورد توجه قرار گرفت و نتیجه نشان داد که هر چه میزان تحصیلات فرد و والدین او بالاتر رود بر میزان گرایش فرد به مطالعه افزوده می‌شود. در واقع هر چه فرد و والدین او سطح تحصیلات (سرمایه فرهنگی) بالاتری داشته باشند میزان برخورداری‌شان از انواع دیگر سرمایه (درآمد، امکانات و غیره) نیز بیشتر خواهد شد، بنابراین گرایش به مطالعه در فرد بیشتر می‌گردد. این نتیجه نیز با پژوهش عابدینی همخوانی و مطابقت دارد.

- هم‌چنین نتیجه نشان داد که رابطه معنی‌داری بین قومیت و میزان مطالعه وجود دارد. در واقع هر قومیتی سلسله ارزش‌ها و هنجارهای مخصوص به خود را دارد که بر روی گرایش آنها به مطالعه تأثیر می‌گذارد. در پژوهش‌های پیشین توجهی به این متغیر نشده است.

- نتیجه نشان داد که هر چه سن فرد بالاتر می‌رود از میزان مطالعه فرد کاسته می‌شود. این مسأله نشان‌دهنده این است که پرداختن مطالعه در افراد از همان ابتدا کودکی نهادینه نشده است.

- در بررسی رابطه بین طبقه و میزان مطالعه، دیده شد که هر چه فرد در طبقه اجتماعی بالاتری قرار بگیرد میزان پرداختن به مطالعه نیز بیشتر است. در این رابطه،

آن روی دیگر نیز باید بررسی شود. در واقع فردی که با مطالعه بیشتر از آگاهی و بینش بیشتری برخوردار است، توانایی بیشتری برای نجات خود از فقر فرهنگی و اقتصادی داراست و بنابراین احتمال قرارگیری او در طبقات بالاتر بیشتر می‌شود. در پژوهش‌های پیشین به متغیر طبقه اجتماعی توجهی نشده است.

- در بررسی رابطه بین میزان مطالعه و عضویت در انجمن، دیده شد که میزان مطالعه در افرادی که عضو انجمن یا تشکل خاصی هستند بیشتر است. از طرف دیگر می‌توان گفت که هر چه یک فرد باسوادتر و آگاه‌تر باشد تمایل بیشتری به مشارکت در نهادهای مختلف اجتماع داراست، که خود این مشارکت از عوامل مهم در توسعه هر کشوری محسوب می‌شود.

- در بررسی رابطه بین بُعد خانوار و میزان مطالعه، دیده شد که هر چه بر بُعد خانوار افزوده شود از میزان مطالعه فرد کاسته می‌شود، چراکه خانواده‌های با جمعیت بیشتر از امکانات اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردار هستند. از طرف دیگر یکی از اساسی‌ترین پایه‌های کنترل بُعد خانوار و به عبارتی تنظیم خانواده آگاهی و بینش می‌باشد و از راه‌های اساسی کسب دانش، مطالعه می‌باشد. در پژوهش‌های دیگر به این نکته توجهی نشده است.

- در بررسی رابطه بین میزان دسترسی به کتابخانه و میزان مطالعه، دیده شد که هر چه دسترسی فرد به کتابخانه بیشتر باشد، میزان مطالعه نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین بالا بردن تعداد کتابخانه‌ها امری ضروری است.

- مهم‌ترین مشکلات جوانان برای پرداختن به مطالعه به ترتیب عبارتند از: کمبود مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها، کمبود کتاب‌های مناسب جوانان، مسائل مالی و گرانی، نداشتن علاقه و انگیزه برای مطالعه. تلاش برای رفع این موانع می‌تواند به بالا بردن میزان مطالعه در بین جوانان کمک شایانی بنماید.

## ۷. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایجی که از این پژوهش به دست آمده است پیشنهادهای زیر جهت بالاتر رفتن میزان مطالعه در بین جوانان ارائه می‌گردد:

- ۱-۷. مسئولان کشور به فکر راهکارهایی برای نهادینه کردن مطالعه در افراد از سنین کودکی باشند.
- ۲-۷. از آنجا که یکی از مشکلات جوانان برای مطالعه دسترسی به کتابخانه می‌باشد، افزایش تعداد کتابخانه‌های کشور امری ضروری به نظر می‌رسد. البته این نکته قابل ذکر است که مشکل فقط کافی نبودن این نوع مراکز نمی‌باشد. در بسیاری از موارد مراکزی وجود دارند که بیشتر افراد با آنها آشنایی کافی ندارند، بنابراین معرفی کتابخانه‌ها از طریق رسانه‌های مختلف ضروری است.
- ۳-۷. با توجه به این مسأله که گرانی کتاب یکی دیگر از مشکلات بر سر راه مطالعه است، پیدا کردن راه‌هایی برای کاهش قیمت کتاب ضروری می‌باشد.
- ۴-۷. با توجه به اینکه سطح تحصیلات والدین - به خصوص مادر - با میزان مطالعه فرد رابطه دارد، بنابراین اجرای برنامه‌هایی به منظور بالا بردن سطح آموزش، اطلاعات و همچنین تحصیلات والدین توصیه می‌گردد.
- ۵-۷. با توجه به اینکه میزان مطالعه در خانوارهای با تعداد بیشتر و توانایی مالی پایین‌تر، کمتر است، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی برای دسترسی بیشتر این خانواده‌ها به کتاب، مجله‌ها و روزنامه‌ها طراحی شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به این خانواده‌ها «بن کتاب» ارائه کرد.
- ۶-۷. از آنجا که تلویزیون در زمان فراغت بسیار مورد توجه جوانان می‌باشد می‌توان از آن به‌عنوان وسیله‌ای جهت نهادینه کردن فرهنگ مطالعه در بین آنان استفاده کرد.

## ۸. منابع

۱. ازکیا، مصطفی. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه
۲. اصغر نژاد، حسین. ۱۳۸۰. *بررسی وضعیت کتاب و کتابخوانی در ایران*. پیام کتابخانه ۱۱ (۱): ۱۳-۶.
۳. افتخاری، زهرا. ۱۳۸۲. *بررسی مقایسه‌ای چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان متوسطه دخترانه در مدارس عادی و غیرانتفاعی نواحی چهارگانه شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی شیراز.

۴. بحرانی، محمود. ۱۳۷۶. بررسی چگونگی فعالیت کتاب خوانی مردم شیراز از لحاظ مدت زمان مطالعه آزاد، عوامل بازدارنده و عوامل همبسته با آن. گزارش طرح پژوهشی، دانشگاه شیراز.
۵. سازمان برنامه و بودجه فارس. ۱۳۷۵. آمار نفوس و مسکن فارس - شیراز: سازمان برنامه و بودجه فارس.
۶. شهبازی، عباس، منوچهر خوش باطن، بهروز نقیلی، و مهرانگیز ابراهیمی ممقانی. ۱۳۸۴. وضعیت گذران اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال منطقه شمال غرب تبریز. *مجله علوم پزشکی تبریز* ۲۴: ۶۸-۷۳.
۷. صافی، قاسم. ۱۳۵۴. کاربرد زمان اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
۸. عابدینی، صمد. ۱۳۷۹. بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی موثر بر میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی، مطالعه موردی شهر شیراز. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز*.
۹. کربخش راوری، ماشالله. ۱۳۷۹. جوانان و اوقات فراغت. *مجله پیوند* ۷۳-۷۵: ۱۱۰-۱۲۱.
۱۰. میرهاشمی، مالک و جعفر نجفی زند. ۱۳۸۱. بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال شهرستان دماوند. *فصلنامه جمعیت* ۴۶-۴۵: ۵۵-۶۵.
۱۱. هیوود، لیس، فرانسیس کیو، پی تر براهام، جان اسپینک، جان کاپنهارست، و یان هنری. ۱۹۹۸. *اوقات فراغت*. ترجمه محمد احسانی. ۱۳۸۰. تهران: نشر امید دانش.
۱۲. Lin, N. ۱۹۷۶. *Foundation of Social Research*. New York: McGraw Hill.

۱) کارشناس ارشد جمعیت و توسعه

پست الکترونیکی: [Khadejeh.sarvestani@yahoo.com](mailto:Khadejeh.sarvestani@yahoo.com)

۲) کارشناس ارشد مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پست الکترونیکی: [karaminus@gmail.com](mailto:karaminus@gmail.com)